

عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل بویه

زهرا میرزایی*

چکیده

ری در دوره اسلامی، برخلاف شهر همسایه‌اش؛ قم، از تنوع فکری و مذهبی برخوردار بوده و شیعیان (امامی، زیدی، اسماعیلی) و حنفیان، با گرایش‌های مختلف فکری چون معتزلی، اشعری، کلابی، جهمی و... در این شهر توانستند در عرصه‌های مختلف، به پیشرفت قابل توجهی دست پیدا کنند. به دنبال این تحولاتی که در ری پدید آمد، شهر، کانون توجه و مقصد مهاجرت دانشمندانی نظیر ابوریحان بیرونی، قاضی عبدالجبار معتزلی و شخصیت‌هایی از خاندان بابویه شد، که از امکانات علمی و فرهنگی که در این شهر پدید آمده بود، بهره بسیار بردند. مسئله اصلی مقاله، این است که چه عواملی این رشد و پیشرفت را برای شیعیان در عرصه‌های مختلف به ارمغان آورد. با بررسی منابع، این نتیجه حاصل شد، که از یک سو، رویکرد مسالمت‌آمیز شیعیان در تعاملات اجتماعی با دیگر مذاهب و فرقه‌های ساکن ری، این امکان را به آنها داد که فرصت ظهور و فعالیت داشته باشند؛ و از دیگر سو نیز نقش حکومت آل بویه و حمایت‌های این دولت از شیعیان، عامل مهم دیگری در این پیشرفت بود. واژه‌های کلیدی: ری، شیعیان، تعاملات اجتماعی، تعاملات علمی و فرهنگی، حکومت آل بویه.

* کارشناس ارشد تاریخ و تمدن دانشگاه تهران. (zahra.mirzaei18@yahoo.com)

تاریخ دریافت: ۹۲/۰۳/۰۱ - تاریخ تأیید: ۹۲/۰۶/۲۶

مقدمه

شهر ری، از جمله شهرهای اسلامی، که از تنوع فکری و مذهبی برخوردار بود. این مذاهب شامل تشیع امامی، زیدی، اسماعیلی، حنفیه و شافعیه و فرقه‌هایی چون نجاریه، معتزله، کرامیه، اسحاقیه، مجبّره، اشاعره، مشبّهه، کلاییه، جهمیّه و مجسمه بود. این تنوع فکری در ری، ضمن این‌که باعث درگیری‌ها و برخوردهای اجتماعی شده بود، به دلیل برگزاری مجالس مناظره میان صاحبان فرق و نگارش رسالات و ردیه‌ها و اعتقاد نویسی، نوعی نشاط علمی را ایجاد کرده بود. روی کار آمدن شاخه‌ای از حکومت آل بویه در ری، با گرایش‌های شیعی و رویکرد تسامح‌گرایانه، این امکان را به شیعیان بخصوص امامی‌مذهبان می‌داد تا بتوانند در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی وارد شوند. بنابراین، ری نیز از تحولاتی که در فارس و بغداد، دیگر مراکز حکومتی آل بویه، پدید آمده بود مستثنی نماند و به یکی از شهرهای مهمی تبدیل شد، که شاهد مهاجرت خاندان مهم آل‌بابویه از قم و کانون توجه علمایی چون قاضی عبدالجبار معتزلی شد. حکام و وزراء بویهی با تأسیس رصدخانه و کتابخانه در این شهر و نیز برگزاری مجالس مناظره، بر این نشاط علمی افزودند.

علاوه بر نقش حکومت آل بویه، به عنوان عاملی بیرونی در پیشرفتی که در زندگی سیاسی و اجتماعی شیعیان بوجود آمد، نقش خود شیعیان را نیز به عنوان عاملی درونی، در برخورد با فرق و مذاهب مختلف ساکن ری باید در نظر گرفت. بر این اساس، حمله سلطان محمود غزنوی به ری در ۴۲۰ق، کشتار شیعیان و محو آثار فرهنگی شیعیان، به نابودی آنها ختم نشد، بلکه در دوره سلجوقیان، شاهد فعالیت شیعیان در دربار آنها و تأسیس مدارس شیعی و تألیف کتب مهم شیعی در این شهر هستیم. کتاب ارزشمند عبدالجلیل قزوینی، معروف به *بعض مثالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض* تألیف قرن ششم هجری، آینه تمام‌نمای جایگاه مهم سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی شیعیان است. وی اطلاعات مفصّلی از فرق و مذاهب ساکن ری، بزرگان و علماء شیعه، کتاب‌ها و مراکز تعلیمی و آداب و رسوم آنها ارائه می‌دهد که مسلماً از دو عاملی که در بالا به آن اشاره شد، تأثیر پذیرفته است.

از این‌رو، در این نوشتار کوشش خواهد شد، ضمن مطالعه کلی تحولاتی که در وضعیت شیعیان در حوزه حکومتی آل بویه به وجود آمد، با استفاده از کتاب *گرانقدر النقض* و دیگر

عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل بویه ۱۱۱

منابع، مهم‌ترین عواملی که در پدیدآیی پیشرفت اجتماعی، علمی و فرهنگی شیعیان ری، در دوره آل بویه مؤثر بوده، بررسی شود.

۱. تعاملات اجتماعی شیعیان

سرزمین جبال، برای هر سه گروه شیعیان امامی، زیدی و اسماعیلی زمینه رشد داشت. از قرن سوم تا پنجم هجری، بیشتر فعالیت‌های انقلابی از آن زیدیان و پس از آن نیز تا حمله مغول، به اسماعیلیان اختصاص داشت. سابقه حضور شیعیان امامی در ری، به دوران حیات ائمه علیهم‌السلام^۱ باز می‌گردد. از زمان امام محمد باقر علیه‌السلام تا امام حسن عسکری علیه‌السلام و بیست و چند تن از شیعیان ری از اصحاب ایشان بوده‌اند.^۱

هر یک از شاخه‌های مختلف شیعه، روش خاصی در نشر مذهب و پیشبرد اهداف خود دنبال می‌کردند و این قضیه، در رفتار و ارتباط آنها با دیگر گروه‌ها و مذاهب تأثیر می‌گذاشت. شیعیان امامی که سال‌ها رنج تقیه را متحمل شده بودند، در زمان حکومت آل بویه و فضای باز سیاسی و اجتماعی که این دولت برقرار کرده بود، وارد عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی شدند و برخلاف شیعیان زیدی و اسماعیلی، که معتقد به «قیام بالسیف» بودند، از دست زدن به انقلاب‌ها و فعالیت‌هایی که پیامدی جز نابودی نداشت، پرهیز کرده و در برخورد با حوادث و دگرگونی‌های سیاسی، برخوردی واقع‌بینانه داشتند. از دیگر سو، آنها سعی می‌کردند مطابق با رویکرد امامانی چون امام باقر علیه‌السلام و امام صادق علیه‌السلام، به فعالیت‌های علمی و فرهنگی روی آورند. بدین ترتیب با حضور فعال در جامعه، موقعیت و جایگاه خود را حفظ می‌کردند. در ادامه، به بررسی نوع تعاملات اجتماعی شیعیان با یکدیگر و اهل سنت ساکن ری، به عنوان یکی از عوامل مؤثر پیشرفت آنها پرداخته می‌شود.

۱. عزیزالله عطاردی، (۱۴۰۹ق)، مسند امام کاظم، ج ۳، مشهد: کنگره امام رضا علیه‌السلام، صص ۲۸۳، ۴۷۰، ۴۶۶؛ همو، (۱۴۰۶ق)، مسند امام رضا، ج ۲، مشهد: کنگره امام رضا علیه‌السلام، صص ۵۷۳، ۵۲۵، ۵۱۵.

۱-۱. تعاملات امامی مذهببان و زیدیان

مذهب زیدیه پیش از آل بویه، وارد ری شده بود و جای خود را در این شهر باز کرده بود. نواحی شمالی ری؛ قصران، ونک، کن و فرحزاد همگی زیدی مذهب بودند.^۱ کانون دیرین مذهب زیدیه در ایران، طبرستان و منطقه استنداریه (رویان، کلار، نیروس و چالوس) بود. بسط و گسترش مذهب زیدیه، پیش از علویان طبرستان در شمال ایران، به دست پیروان امام قاسم رسی بود.^۲ علویان طبرستان نیز، آموزه‌ها و شعائر مذهب زیدی را در قسمت مهمی از شمال ایران پراکندند.

میان شیعیان زیدی و امامی، اشتراکات زیادی وجود داشت و برخی مسائل فقهی‌شان مطابق مذهب امامیه است. عموماً رابطه آنها با یکدیگر، مسالمت آمیز بوده و هر دو گروه در مجلس درس قاضی عبدالجبار معتزلی در ری، شرکت کرده و تحت تعلیمات معتزلی قرار می‌گرفتند.^۳ صاحب بن عبّاد هم آنها را به میان حنفیان ری، برای تبلیغ کلام معتزلی می‌فرستاد.^۴ زیدیان بیشترین کسانی بودند، که به مکتب قاضی پیوستند و تحت تعلیمات معتزلی قرار گرفتند. زیدیان به دلیل انتساب به علویان و سادات و نحوه سلوکشان در پاسداشت شعائر دینی، از مقبولیت و موفقیت اجتماعی بیشتری برخوردار بودند. آنها و امامیان در ری، غالباً زندگی آرامی داشتند. عبدالجلیل قزوینی در مورد رابطه این دو گروه می‌نویسد: «ائمه زیدی همه اهل صلاح و زهد و سداد و عفت و ورع بوده‌اند و آمران به معروف و ناهیان از منکر و شیعه در ایشان اعتقاد نیکو دارند، اما امامشان ندانند به فضل و عصمت و نصیبت و غلبه الظن چنانست که دعوی امامت مطلق نکرده‌اند. بهری را «صلوات الله علیه» نویسند و بهری را «رضی الله عنه» و شیعه را با ایشان چندان خلافی نیست که بمیانجی مجبران حاجت باشد».^۵

۱. شیرین بیانی، (۱۳۷۱)، دین و دولت در ایران عهد مغول، ج ۲، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۶۱۱.

۲. کلود کاهن و مفیزالله کبیر، (۱۳۸۲)، بویه‌یان، تهران: مولی، ص ۱۴۵.

۳. حسن قمی انصاری، «کتابی از مکتب معتزلیان ری»، کتاب ماه، مرداد ۱۳۸۵، ش ۱۰۶، ص ۶۹.

۴. مقدسی، (۱۹۰۶)، احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، لیدن: بریل، ص ۳۹۵.

۵. عبدالجلیل قزوینی رازی، (۱۳۳۱)، التقص، تهران: بی‌نا، ص ۲۵۹.

عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل بویه ۱۱۳

۲-۱. تعاملات امامی مذهبیان و اسماعیلیان

اولین فعالیت تبلیغی اسماعیلیان، در منطقه جبال در قرن سوم هجری رخ داد، و نخستین داعی، فردی به نام خلف بود، که از سوی عبدالله بن میمون قداح به ری اعزام شد. در واقع، سابقه حضور شیعیان در ری بود که اسماعیلیان را در آغاز دعوتشان در آنجا، مصمم‌تر کرد. خواجه نظام الملک طوسی می‌نویسد: «خلف را میمون قداح اهوازی فرستاده بود و به او گفته بود که به جانب ری شو که آنجا در ری، قم، کاشان و آبه همه رافضی‌اند و دعوی شیعت کنند و دعوت تو را زود اجابت کنند و کار تو آن جایگاه بالا گیرد»^۱. اغلب داعیان اسماعیلی، که تعدادی از آنها همچون خلف، غیاث، ابوحاتم رازی، ابویعقوب اسحاق سجستانی در ری مشغول کار دعوت بودند، از افراد هوشمند، فیلسوف، سیاستمدار و آشنا با خلیقات مردم بودند. حسن صباح نیز در ری متولد شد و نخستین بذر تفکرات زیدی در ذهن وی شکل گرفت و خیلی زود تحت نفوذ تعلیمات اسماعیلی درآمد.^۲

سیاست رفتاری آل بویه، به گونه‌ای بود که تبعیضی میان شاخه‌های مختلف شیعه قائل نبودند. در اواخر قرن چهارم هجری، نفوذ اسماعیلیان افزایش یافت. در ۳۶۰ق، از حمایت فعالانه عزالدوله و ابوتغلب حمدانی برخوردار بودند. عزالدوله و عضدالدوله نیز، اقطاعاتی به آنها داده بودند.^۳ رفته‌رفته اسماعیلیان از ری به سمت الموت پیشروی کردند. آنها می‌خواستند یک نظام حکومتی، بر اساس تشیع اسماعیلی در ایران ایجاد کنند، اما سلاجقه برخلاف آل بویه، نمی‌توانستند شاهد جدا شدن بخش‌های مهمی از قلمرو خود و ظهور حکومت دیگری در کنار خود باشند، بر این اساس، سخت‌گیری بر اسماعیلیان در دوره پس از آل بویه، بیشتر شد و درست در زمانی که جنبش نیرومند اسماعیلیه، راه را برای برانداختن خلافت عباسی هموار می‌ساخت، قدرت خود را در ایران استقرار بخشید.^۴

۱. خواجه نظام الملک طوسی، (۱۳۲۰)، *سیاست نامه*، تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر، ص ۲۶۱.

۲. عظاملک جوینی، (۱۹۳۷)، *تاریخ جهانگشا*، ج ۳، لیدن: هلند، ص ۸۷.

۳. جوئل کرمر، (۱۳۷۵)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ص ۱۱۷.

۴. جی. آ. بویل، (۱۳۸۵)، *تاریخ ایران از آمدن سلاجقه تا فروپاشی دولت ایلیخانی*، ج ۵، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیر کبیر، ص ۲۷۸.

اسماعیلیان به خاطر فعالیت‌های سری و اتخاذ سیاست ترور، در نگاه جامعه‌ی اسلامی مطرود بودند و عموماً شیعیان امامی از این‌که آنها را با اسماعیلیان یکی قلمداد کنند، بیزار می‌جستند و در صدد انکار بر می‌آمدند؛ چنانچه خواجه نظام الملک طوسی، که تمایلات ضد شیعی شدیدی داشت، همه‌ی فرق شیعه را با اسماعیلیان یکی می‌دانست. در نامه‌ای که سلطان محمود غزنوی به القادر، خلیفه عباسی می‌نویسد، هدف حمله خود را به ری، نابودی دیلمیان، زنادقه و باطنیان بیان می‌کند و بسیاری از آثار فلسفی و معتزلی آنها را با تخریب کتابخانه صاحب بن عباد از بین برد.^۱

فشاپویه و کلین، از جمله مراکز سکونت اسماعیلیان در ری بود.^۲ به‌رغم آن‌که در دوره مورد بحث، اسماعیلیان تشکّل و انسجامی را که در دوره سلاجقه پیدا می‌کنند، نداشتند، اما در دوره آل بویه، از چنان اهمیتی برخوردار بودند که خودشان و کتاب‌هایشان، هدف حمله سلطان محمود قرار گرفت. از این‌رو بود که شیخ کلینی کتاب *الرد علی قرامطه* را نوشت و در آن موارد اختلاف اسماعیلیان را با سایر مذاهب شیعه بیان کرد.^۳ عبدالجلیل رازی نیز در کتاب خود، که با روحیه‌ای جدلی به دفاع از مواضع شیعیان پرداخته است، از اسماعیلیان با عناوینی نظیر؛ ملحد، باطنی و ملعون یاد می‌کند.^۴

۳-۱. تعاملات شیعیان و اهل سنت

در زمان آل بویه، اهل سنت ایران به یکی از دو فرقه حنفی و شافعی تعلق داشتند و به دلیل رقابت همیشگی، که میان این دو فرقه وجود داشته، اغلب، آنان را «فریقان» می‌گویند.^۵ حنفیان در طول قرن دوم و نیمه نخست قرن چهارم هجری، از مکتب کلامی حسین نجار پیروی می‌کردند. پیروان این مذهب، بیشتر در نواحی ری، قزوین و گرگان وجود داشتند. آنان در تعریف ایمان، مرجئی و به شدت جبرگرا بودند، اما در باب صفات الهی، عقیده ضد

۱. ابن اثیر، (۱۴۰۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، ج ۸، تصحیح محمد یوسف دقاقه، بیروت: دارالکتب العلمیه، ص ۱۷۱.

۲. *سیاست نامه*، ص ۲۶۱.

۳. نجاشی، (۱۴۰۷ق)، *الرجال*، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم: نشر الاسلامی، ص ۳۷۷.

۴. *النقض*، صص ۳۷۳، ۱۰۱، ۹۱.

۵. ویلفرد مادلونگ، (۱۳۷۷ش)، *فرقه‌های اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر، ص ۵۳.

عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل بویه ۱۱۵

تشبیه داشتند که به عقیده معتزلیان در این باب، نزدیک است. اکثر حنفیان اطراف ری، پیرو زعفرانیه بودند که در قضیه «رد اصل خلق قرآن» با نجاریه اختلاف نظر داشتند.^۱ مذهب شافعی در بخش غربی و میانی ایران، در شهرهای بزرگی چون اصفهان، شیراز، ری و گرگان از نیمه قرن سوم هجری رواج یافت و تا قرن پنجم هجری، در برخی از شهرهای ایران بر مذهب حنفی برتری داشت.

شافعیان و حنفیان ری، علاوه بر این که به لحاظ فقهی، در تقابل یکدیگر بودند، از نظر عقیدتی نیز، با یکدیگر اختلاف داشتند؛ نجاریه، معتزله، بادنجانیه، کرامیه، ابواسحاقیه، مذهب حنفی، و مجبره، اشاعره، مشبّهه، کلاییه، جهمیّه و مجسمه نیز شافعی بودند.^۲ اختلاف میان این دو فرقه، به حدّی بود که باعث جدایی محل زندگی این دو فرقه از یکدیگر شده بود؛ شرق ری، کهندژ یا قلعه طبرک و بخشی از شارستان ری، محل اقامت حنفیان بود و شافعیان نیز در سمت جنوب کوه بی‌بی شهربانو - واقع در شرق ری - سکونت داشتند.^۳ معماری خانه‌ها نیز تحت تأثیر این حوادث قرار گرفت. بنا به نقل یاقوت حموی، خانه‌های آنها در زیر زمین قرار داشت و درهای آنها در نهایت تاریکی بود و در رفت و آمد با مشکل مواجه بودند.^۴ درگیری‌های این دو گروه، مورد اذعان مورخان ادوار مختلف است. یاقوت می‌نویسد که در ابتدا درگیری میان شیعه و سنی و بعدها میان حنفیان و شافعیان بوجود آمد و شافعیان با وجود کمی جمعیت همواره بر حنفیان پیروز بودند و محله‌های حنفیان مخروب گردید.^۵ این درگیری‌ها سرانجام، نابودی و تخریب شهر را در پی داشت.

عبدالجلیل رازی، گزارش‌های مفصل تری از این درگیری‌ها را در کتاب خود آورده است: «حنفیان هرگز به جامع روده نماز نکنند و اقتدا به امام اشعریان نکنند و اشاعره اتفاق است که به مسجد حنفیان نماز نکنند و علماء هر دو طایفه فتوا می‌کند که در جماعت

۱. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۳۹۵.

۲. النقض، ص ۴۵۷.

۳. حسین کریمان، (۱۳۷۱ش)، ری باستان، ج ۱، تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ص ۲۷۰.

۴. یاقوت حموی، (۱۳۹۹ق)، معجم البلدان، ج ۳، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ص ۱۱۷.

۵. همان، ج ۳، ص ۱۱۷؛ زکریا بن محمد قزوینی، (۱۳۷۳ش)، آثار البلاد و اخبار العباد، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرزا هاشم محدث، تهران: امیرکبیر، ص ۳۷۶.

بدان، دگر اقتدا روا نباشد کردن و حنفی اقتدا بر شفعوی نکند و شافعی بر حنفی اقتدا روا ندارد. حساب شیعت هم بر این قیاس باشد، تنها نماز بکنند»^۱.

درگیری و اختلاف میان اهل سنت، ذهن آنها را از درگیری و رقابت با شیعیان منحرف می‌ساخت و باعث می‌شد شیعیان زندگی آرام‌تری داشته باشند و اساساً همین قضیه، در پیشرفت شیعیان در ری مؤثر بود. از دیگر سو، هر یک از دو گروه حنفی و شافعی در رقابت با یکدیگر، خود را به شیعیان نزدیک می‌کردند؛ گاه حنفیان (بر ضد شافعیان) با شیعیان متحد می‌شدند و گاه شافعیان در اظهار محبت بر اهل بیت علیهم‌السلام، با شیعیان همراه می‌شدند و در مراسم‌های خاص شیعیان همچون عزاداری برای امام حسین علیه‌السلام در روز عاشورا، شرکت می‌کردند.^۲ حتی به زیارت حضرت معصومه سلام‌الله‌علیه و دیگر مراقد علویان در ری، می‌رفتند.^۳ علاوه بر این، حنفیان به همراه امامیان و زیدیان به فراگیری تعالیم مکتب کلامی معتزله می‌پرداختند. این مکتب، با تلاش‌های صاحب بن عباد و دعوت وی از قاضی عبدالجبار معتزلی، در ری گسترش پیدا کرد و باعث رشد عقل‌گرایی در این شهر شد. صاحب، مبلغان معتزلی را به میان حنفیان شهر می‌فرستاد،^۴ تا از اندیشه‌های اعتزالی آنها تأثیر پذیرند و بدین ترتیب آنها را به تبادلات فکری تشویق می‌کرد.

۲. تعاملات علمی و فرهنگی شیعیان

تنوع فکری و مذهبی که در ری وجود داشت، علاوه بر این‌که بر روابط و تعاملات اجتماعی میان فرق و مذاهب تأثیر می‌گذاشت، به دلیل تبادل اندیشه‌ها و برخوردهای فکری که میان آنها بوجود می‌آمد، نوعی نشاط علمی را در ری ایجاد کرده بود که در قالب مناظره، مکاتبه و نگارش کتب کلامی و اعتقادی و ردیه نویسی نمود پیدا کرد. در حالی که این دوران، مصادف با آغاز غیبت کبری (۳۲۹ق) بود، بنابراین شیعیان ری، چون شیعیان دیگر شهرهای حوزه حکومتی آل بویه، از فضای باز سیاسی و اجتماعی ایجاد شده توسط

۱. *النقض*، ص ۵۹۹.

۲. همان، ص ۴۰۴.

۳. همان، ص ۵۸۸.

۴. *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ص ۳۹۵.

عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل بویه ۱۱۷

این دولت، استفاده کرده و در خلال فعالیت‌های علمی، به دفاع از تشیع و توجیه مسئله امامت و غیبت امام زمان (عج)، که از مسائل آن روز جامعه شیعه بود، پرداختند.

۱-۲. مناظره:

مناظره یکی از قدیمی‌ترین شیوه‌های برخورد اندیشه به شمار می‌رود که در قرن دوم هجری، بهترین وسیله برای استنباط حقایق فقهی و استخراج اصول و قواعد آن در بین فقها بود.^۱ این شیوه به مرور زمان، در علوم گوناگون و در مکان‌های مختلف انجام گرفت. با شدت یافتن جنبش معتزله در عصر مأمون، روحیه مناظره و برگزاری مجالس بحث نیز بیشتر شد. یکی از مکان‌هایی که مناظره در آنجا بر پا می‌شد، دربارها و کاخ‌ها بود، که حکام و سلاطین با انگیزه‌های مختلف این کانون‌ها را فراهم می‌آوردند و خود با حضور در این مجالس، به وجد می‌آمدند. نمونه آن، مناظرات شیخ صدوق در دربار رکن الدوله (حک ۳۳۵-۳۶۶ق)، در ری است. شیخ صدوق، که به دنبال دعوت مردم ری و رکن الدوله، به این شهر مهاجرت کرد، به دنبال این دعوت بود، که خاندان بابویه بعد از قم، در این شهر به حیات خود ادامه دادند و حتی حضور این خاندان در ری، به گسترش مذهب تشیع کمک شایانی کرد. در سایه حمایت این حاکم، از فرصت استفاده کرده، و طی مناظراتی، که بخش‌هایی از آن را در دو کتاب مهم خود یعنی *عیون اخبار الرضا* و *کمال الدین* و تمام النعمه آورده است، واقعیت شیعه و مکتب اهل بیت را برای کسانی که مکتب شیعه را باطل می‌دانستند، تشریح، و به «مبارز القمیین» و «چهره سرشناس شیعه» ملقب شد.^۲

از همان اولین جلسه مناظره، که در حضور رکن الدوله برقرار شد، مورد تأیید و تمجید وی قرار گرفت، به طوری که رکن الدوله از او خواست در بیشتر اوقات در مجلسش حاضر شود.^۳ قاضی نورالله شوشتری بخشی از مناظرات وی را در *مجالس المؤمنین* آورده است: «... چون به مجلس او درآمد، رکن الدوله او را پهلوی خود نشاند، نیازمندی بسیار

۱. عبدالرحیم غنیمه، (۱۳۸۸ش)، *تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسای، تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۶۲.

۲. ابن شهر آشوب، (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، نجف: الحیدریه، ص ۱۱۱؛ *الرجال*، ص ۳۸۹.

۳. صدوق، (۱۴۰۵ق)، *کمال الدین و تمام النعمه*، ج ۱، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ص ۱۷۴.

اظهار فرمود و چون مجلس قرار گرفت به جناب شیخ فرمود: ای شیخ جمعی از اهل فضل که در این مجلس اند، اختلاف دارند در کار آن جماعت که شیعه در ایشان طعن می‌کنند، پس بعضی می‌گویند طعن واجب است و بعضی می‌گویند، واجب نیست و بلکه جایز نیست. رأی شما در این مسئله چیست؟^۱ قاضی نورالله شوشتری این متن را از نوشته نایابی که متعلق به شیخ جعفرین محمد دوریستی بوده، آورده است.

شیخ صدوق، مذاکرات دیگری هم، راجع به علت غیبت امام زمان (عج)، با یکی از علمای عصر خود داشته است، که بخشی از آن را در *کمال‌الدین و تمام النعمه* آورده است.^۲ دیگر رسالات او نظیر؛ *ذکر مجلس الذی جری له بین رکن‌الدوله، ذکر المجلس الآخر، ذکر مجلس الثالث، ذکر مجلس الرابع و ذکر مجلس الخامس* حاوی مناظراتش است.^۳ به طور کلی، مضمون مناظرات شیخ صدوق، پیرامون خلافت، امامت، غیبت امام زمان و دوره‌ی حیرت است. علی بن حسین بن بابویه، پدر شیخ صدوق، کتابی به نام *الکفر و الفرّ* دارد که مناظره‌ی وی با محمد بن مقاتل رازی در ری است. این مناظره درباره اثبات امامت امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام است، که به دنبال این مناظره، محمدبن مقاتل شیعه می‌شود.^۴

۲-۲. مکاتبه و ردّیه نویسی:

یکی از شیوه‌های آموزشی، مکاتبه بود که گاه در آن فرد، سئوالات خود را برای استادش و یا برای عالمی، به صورت یک نامه یا رساله می‌نوشت و آن عالم هم، پاسخ سئوالات وی را در رساله‌ای جدا می‌نوشت و برایش می‌فرستاد. این نامه‌ها و رساله‌ها ممکن بود بعدها تبدیل به کتاب شود. عنوان *مسائل* بر روی برخی کتاب‌ها، اشاره به این موضوع دارد.^۵ از جمله این مکاتبات، مکاتبه میان شیخ مفید و شیخ صدوق است. شیخ مفید، تصحیحی بر *اعتقادنامه* شیخ صدوق می‌نویسد و در بسیاری از مسائل، گاه با خشونت بر استاد خرده می‌گیرد. شیخ مفید، ممانعت ابن بابویه را از پرداختن به کلام و مجادلات

۱. نورالله شوشتری، (۱۳۷۷ش)، *مجالس المؤمنین*، ج ۱، تهران: کتابفروشی اسلامیة، ص ۴۵۷.

۲. *کمال‌الدین و تمام النعمه*، ج ۱، ص ۸۷.

۳. *الرجال*، ص ۳۹۲.

۴. محمدباقر خوانساری، (۱۳۹۰ق)، *روضات الجنات*، ج ۴، قم: اسماعیلیان، ص ۲۷۵.

۵. علاءالدین امیر محمد مهدی قزوینی، (بی‌تا)، *الفکر التربوی عند الشیعه الامامیه*، قاهره: دارالثقافه، ص ۲۳۱.

عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل بویه ۱۱۹

مذهبی رد می‌کند و بر این باور است، که ائمه علیهم‌السلام کسانی را که دارای اعتقاد راسخ و مسلط در استدلال هستند، به دفاع از دین حق در برابر بدعت گزاران و کافران تشویق کرده‌اند.^۱ شیخ مفید در *تصحیح الاعتقاد*، نزدیک به چهل مسئله اعتقادی و کلامی بر استادش انتقاد می‌کند و برخی از آراء و عقاید کلامی حدیثی او را از منظر و موضع عقلی و اعتزالی خود جرح و نقد و اصلاح می‌کند. حسین بن علی، برادر شیخ صدوق، کتاب *الرد علی الواقفیه و التوحید و نفی التشبیه* را به درخواست صاحب بن عباد در رد این دو فرقه نوشت. ابن حجر عسقلانی، او را از فقهای امامیه معرفی کرده و اظهار می‌کند که صاحب بن عباد، وی را بسیار مورد احترام قرار می‌داد.^۲

ابن قبه رازی نیز چنین آثاری دارد. او کتابی به نام *الانصاف*، در بحث امامت می‌نویسد و ابوالقاسم بلخی هم پس از این‌که، کتاب او را می‌خواند، *المستترشد فی الامامه* را در نقض کتاب وی می‌نویسد. ابن بار ابن قبه، *المستتبت فی الامه* را می‌نویسد. ابوالقاسم بلخی باز با همان روحیه جدلی خود، این اثر ابن قبه را با نوشتن کتاب *نقض المستتبت* رد می‌کند، اما مرگ، فرصت این را به ابن قبه رازی نمی‌دهد تا از اندیشه‌های خود دفاع کند. ابن قبه یک بار نیز پس از مناظره‌ایی که با ابوزید علوی زیدی مذهب داشته است، کتاب *الاشهاد* وی را که در رد مذهب امامیه بوده با نوشتن کتاب *نقض الاشهاد* رد می‌کند.^۳ وی در این رساله، اشکالات ابوزید را یک به یک آورده و به آنها پاسخ داده است. از دیگر ردیه‌ی وی، اثری است که در رد ابوعلی جبایی، تحت عنوان *الرد علی ابوعلی جبایی* نوشته است.^۴

۲-۳. منقبت‌خوانی و ترویج فرهنگ شیعی:

از جمله تحولاتی که در پی روی کار آمدن آل بویه، در زندگی اجتماعی و فرهنگی شیعیان پدید آمد، آزادی شیعیان در اجرای مراسم و شعائر شیعی بود. یکی از این شعائر، منقبت‌خوانی بود. مناقب؛ جمع منقبت، به معنای خصال نیک و سجایای پسندیده است.

۱. شیخ مفید، (۱۴۰۳ق)، *تصحیح الاعتقاد*، تصحیح هبه‌الدین شهرستانی، بیروت: دارالکتب الاسلامی، ص ۱۱.

۲. ابن حجر عسقلانی، (۱۴۱۶ق)، *لسان‌المیزان*، ج ۲، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، ص ۳۷۴.

۳. *معالم‌العلماء*، صص ۹۶-۹۵.

۴. شیخ طوسی، (بی‌تا)، *فهرست کتب‌الشیعه و اصولهم*، قم: شریف‌رضی، ص ۱۳۲.

مناقب خوان؛ ستایش گرائه علیه السلام و کسی است که محامد آنان را بر می شمارد (در مقابل فضائل خوان).^۱ موضوع قصاید مناقبیان، برخی اصول عقاید شیعه نظیر تنزیه، عدل، عصمت ائمه علیهم السلام و معجزات آنها بود. شاعران این قصاید و اشعار، جدای از مناقبیان بودند. نمونه عالی شاعران این مراثی در ری، در دوره مورد بحث، ملک الکلام بندار رازی، شاعر دربار مجددالدوله بود از جمله سروده‌های او در مدح علیه السلام، این بیت اوست:

تا تاج ولایت علی بر سرمه هر روج مرا خوشتر و نیکوترمه
شکرانه این که میر دین حیدر مه از فضل خدا و منت مادرمه^۲

این شاعران، عموماً تحت عنوان مدّاح شناخته می‌شدند. مداحی برای اهل بیت علیهم السلام، رسمی بود که در شهرهای شیعه مذهب آن دوره، از جمله در ری، رواج داشت. این ابزار فرهنگی، در ادوار بعد ادامه می‌یابد. در فهرست *منتجب‌الدین بابویه*، نام بسیاری از این مداحان و مناقبیان همچون؛ سید تاج‌الدین ابوتراب و شیخ ابوالحسین عاصم عجللی مداح آمده است.^۳

گروهی از متعصبان اهل سنت، برای خنثی کردن تأثیر مناقبیان از فضائل خوانان استفاده می‌کردند. آنها کسانی بودند، که فضائل ابوبکر و عمر را می‌خواندند و شیعیان را ناسزا می‌گفتند. عبدالجلیل قزوینی گزارش‌های بیشتری از مناقبیان و فضائلیان ری ارائه می‌دهد. او در این باره می‌نویسد: «... و این عقیده نو نیست که مناقبی و فضائلی در بازارها مناقب و فضائل خوانند، اما ایشان همه عدل و توحید و نبوت و عصمت خوانند و اینان همه جبر و تشبیه و لعنت.»^۴ اهل سنت در برابر مغازی واقعی امام علی علیه السلام و پهلوانی‌های آن حضرت، که موضوع اشعار شیعیان بود، به ذکر صفات ابوبکر، عمر، عثمان و حکایات بی‌اصل رستم و سهراب، اسفندیار و کیکاووس و زال و... می‌پرداختند.^۵

۱. علی اکبر دهخدا، (۱۳۷۳ش)، *لغتنامه*، تهران: دانشگاه تهران، «منقبت خوانی».

۲. احمد فصیح خوافی، (۱۳۳۹ش)، *مجمل فصیحی*، ج ۲، به کوشش محمود فرخ، مشهد: آستان قدس، ص ۶۲۴.

۳. ابن بابویه، (۱۳۶۶)، *فهرست اسماء الشیعه و مصنفیهم*، تصحیح محدث ارموی، قم: مرعشی، ص ۱۸۲، ۸۰.

۴. *النقض*، ص ۳۳.

۵. همان، ص ۳۴.

عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل بویه ۱۲۱

منقبت خوانی در ری، عموماً در بخش‌هایی از شهر که محل رفت و آمد عموم مردم بود مانند؛ قطب روده، رشته نرمة، سرقسان، مسجد عتیق، دروازه مهران و در مصلحگاه^۱ برگزار می‌شد؛ و به تبلیغ مذهب تشیع و فرهنگ شیعی در جامعه‌ی آن روز ری، می‌پرداختند.

۳. نقش حکومت آل بویه:

نقش حکومت را در رشد و یا در انحطاط علمی و فرهنگی یک جامعه، نمی‌توان نادیده گرفت و اساساً یکی از عوامل مهم که در رشد و یا ضعف و زوال علوم دخالت دارد، عنصر حکومت است. همچنان‌که علاقه‌ی برخی از خلفای عباسی نظیر مأمون، دوره‌ی درخشان نهضت ترجمه، رشد اعتزال و عقل‌گرایی و پیدایش مراکز علمی چون دارالعلم، کتابخانه و رصدخانه را به ارمغان آورد، متقابلاً تعصب و جانبداری از مذهبی، مانع پیشرفت و رشد علمی می‌شود و عملاً جلوی ظهور و بروز برخی فرقه‌ها گرفته می‌شود. یکی از دوره‌های درخشان تمدن اسلامی، سده‌های چهارم و پنجم هجری است، که باید آن را دوره‌ی باروری علوم و فنون در تمدن و فرهنگ اسلامی، پس از دوره نقل و ترجمه و تفسیر علوم برشمرد. آثار چشمگیر دانشمندان حوزه‌ی حکومت آل بویه، در زمینه‌های گوناگون علمی اگر چه برآمده از روند تاریخی و متکامل دانش پژوهی در قلمرو اسلام است، اما نمی‌توان از وابستگی بخشی از آن به برخی از حکام و وزرای فرهیخته آل بویه، چشم پوشید. بنابراین، علاقه‌ی حکام و وزراء بویهی از یک سو، و رویکرد تساهل و تسامح گرایانه آنها در عرصه‌ی اجتماعی، سیاسی و علمی از دیگر سو، عامل مهمی در پیشرفت علمی و فرهنگی به خصوص برای شیعیان بوده است.

۳-۱. علم دوستی حکام و وزراء بویهی

از میان حاکمان بویهی که علاقه وافری به علم داشته‌اند، می‌توان از عضدالدوله (حک ۳۳۸-۳۷۲ق) یاد کرد، که به‌رغم علاقه فراوان به تجمل و تشریفات و برگزاری جشن و مجالس عیش و عشرت،^۲ هرگز از توجه به دانش و دانشمندان و کوشش برای ترویج علم و ادب غافل نماند و خود در کسب معارف آن روزگار، از شعر و ادب گرفته تا هندسه و

۱. همان، ص ۴۱.

۲. هلال صابی، (۱۹۶۴م)، رسوم دارالخلافه، تحقیق میخائیل عواد، بغداد: بی‌نا، صص ۱۰۲-۱۰۰.

نجوم، با دقت و علاقه می‌کوشید؛ چنان‌که سیاست و کشورداری را نزد ابوالفضل بن عمید، نجوم را از عبدالرحمن صوفی و نحو را از ابوعلی فارسی آموخت و همواره به شاگردی آنان افتخار می‌کرد.^۱

حکام بویه شاخه‌ی ری، کم از حکام بویه بغداد نداشتند؛ رکن الدوله بسیار به علم و دانش علاقه‌مند بود. دربار وی کانون مناظرات علمی و کلامی بود. همانطور که پیش از این ذکر شد؛ مرتبه بالای علمی شیخ صدوق، عالم بزرگ شیعی این دوره، نظر رکن الدوله را به خود جلب کرد و باعث شد، که وی را به ری فراخواند و زمینه‌ی مناظراتش را در دربار فراهم آورد. رکن الدوله در کنار دربارش، رصدخانه‌ای داشت که منجمان و ریاضیدانان شیعه و سنی در آن مشغول به کار بودند. عبدالرحمن صوفی رازی، ابن الاعلم، ابوسهل کوهی، احمد صاغانی و ابوالوفای بوزجانی از جمله منجمانی بودند که در رصدخانه‌ی ری مشغول به کار بودند. وجود همین رصدخانه و امکانات علمی که داشت، باعث سفر علمی ابوریحان بیرونی در زمان حکومت فخرالدوله، به ری شد.^۲ مجدالدوله، آخرین حاکم بویه ری، بیشتر عمر خود را در کتابخانه گذراند.^۳ ابن سینا، که برای معالجه‌ی وی به ری آمده بود، در دربار او کتاب مبدأ و معاد را نوشت.^۴

نزدیکان و وزیران دانشمند و ادیب آنها نیز در گسترش مرزهای دانش و پرورش ارباب علم و معرفت، سهم به‌سزایی داشتند. وجود این وزیران، که غالباً از مرتبه‌ی دبیری به منصب وزیری دست یافتند و سررشته کلیه امور اداره کشور را در دست گرفتند، از مزایای بارز این دوره است. همان‌طور که سامانیان از وزیران دانشمند خاندان بلعمی، عتبی، جیهانی، مصعبی بهره بردند، غزنویان نیز از وجود ابوالفضل اسفراینی، احمد بن حسن میمندی، حسنگ وزیر و... متمتع بودند، دربار آل بویه نیز برخوردار از حضور ابوالفضل بن عمید و پسرش ابوالفتح، و ابوسعید آبی - وزیر شیعی مجدالدوله که کتاب نثر الدر را نوشت

۱. ابن جوزی، (۱۳۵۹ق)، المنتظم، ج ۷، حیدرآباد: بی‌نا، ص ۱۱۵.

۲. ابوریحان بیرونی، (۱۳۵۲ش)، التفهیم، تهران: انجمن آثار ملی، ص ۸۰.

۳. الکامل فی التاریخ، ج ۸، ص ۱۶۹.

۴. علی بن یوسف قفطی، (۱۳۴۷ش)، تاریخ الحکما، به کوشش بهمن دارایی، تهران: دانشگاه تهران، ص ۵۶۲.

عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل بویه ۱۲۳

- صاحب بن عباد و... بود که با داشتن پشتوانه‌های علمی و مایه‌های معنوی، خود از حامیان دانشمندان و بانیان مراکز علمی و آموزش بودند.^۱ علاوه بر این که خانه و دربار این وزیران، کانون مجالس و محافل علمی و ادبی بود، صاحب کتابخانه هم بودند. ابن عمید کتابخانه‌ای معادل صدبار شتر کتاب در انواع علوم داشت، که اداره آن را به حکیم و مورخ مشهور، ابوعلی مسکویه رازی سپرده بود.^۲

صاحب بن عباد نیز که نزد ابن عمید، سال‌ها درس وزارت آموخته بود، در علم دوستی و ادب پروری گوی سبقت از وزیر سلف ربوده بود.^۳ وی مجالس خود را همواره به وجود ادیبان و زبان آوران می‌آراست و بزرگان حکمت و پزشکی و ریاضیات را مورد حمایت خود قرار می‌داد. کتابخانه‌ای در محله روده ری داشت،^۴ که به نقل یاقوت حموی، فهرست کتاب‌های موجود در آن به ده مجلد می‌رسید. بخش عظیمی از این کتابخانه، که حاوی کتاب‌های کلامی و فلسفی و نجومی معتزلیان بود، به دنیال یورش محمود غزنوی به ری، به فرمان وی در آتش سوزانده شد.^۵ صاحب علاوه بر تدریس ادب و حمایت از دانشمندان در مقرر وزارت خود، در شهرهای ری و اصفهان، از رسیدگی به احوال علما و سایر بلاد اسلامی غافل نبود و سالانه پنجاه هزار درهم به بغداد می‌فرستاد تا بر علما و فقها و سادات و قراء و شعرا و صلحا قسمت کنند.^۶

۲-۳. رویکرد تساهل و تسامح‌گرایانه آل بویه

یکی از ویژگی‌های بویهیان، رویکرد تسامح‌گرایانه آنها بود. مهم‌ترین دلایل این طرز فکر را، باید در رویکرد شیعی این خاندان و طبقه حاکم و متفکران برجسته این عصر و نیز ایرانی بودن اعضای این خاندان، که نگرشی مثبت به میراث فرهنگی سایر تمدن‌ها داشتند،

۱. نورالله کسایی، (۱۳۸۳ش)، فرهنگ نهادهای آموزشی ایران، تهران: دانشگاه تهران، ص ۲۸۶.
۲. ابن مسکویه، (۱۴۰۷ق)، تجارب الامم، ج ۲، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: دارسروش، صص ۳۵۹، ۲۷۲.
۳. تاریخ دانشگاه‌های بزرگ اسلامی، ص ۲۲.
۴. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، ص ۳۹۱.
۵. یاقوت حموی، (۱۴۰۰ق)، معجم الادبا، ج ۵، بیروت: دارالفکر، ص ۲۹۵.
۶. هندوشاه بن سنجر، (۱۳۵۷ش)، تجارب السلف در تاریخ خلفا و وزرایشان، تصحیح عباس اقبال، تهران: طهوری، ص ۲۴۶.

دانست.^۱ سیاست تساهل‌گرایانه و عدم تعصبات مذهبی، از شدت درگیری‌ها می‌کاست و از دیگر سو، فرصت ظهور فرقه‌های مختلف را در عرصه‌های علمی و اجتماعی فراهم می‌کرد. در سایه همین رویکرد، صاحب بن عباد، قاضی عبدالجبار معتزلی را به ری دعوت کرد، که نتیجه آن رشد عقل‌گرایی و تبدیل شدن ری به مرکز اعتزال در ایران عصر بویهی بود. قاضی، خود شافعی بود و در میان شاگردانش؛ امامیان، زیدیان و حنفیان دیده می‌شدند. همانطور که گفته شد صاحب، مبلغان معتزلی را به میان حنفیان شهر می‌فرستاد. شیعیان به خصوص امامی مذهب، از این فرصت و فضای باز اجتماعی و سیاسی که ایجاد شده بود، بیش از سایرین استفاده کردند. برگزاری مراسم عزاداری برای ابا عبدالله علیه‌السلام و منقبت‌خوانی‌ها و نیز تحوّل در امور اجتماعی چون نقابت، از جمله آن بود. عملکرد آل بویه در زمینه‌ی منصب نقابت و به‌طور کلی در گرایش به امامیان، اگر هم سیاستی به حساب آید، اقدامی بود که در سازمان بندی اجتماعی شیعه بسیار اثر داشت.

با روی کار آمدن آل بویه، منصب نقابت از حالت موروثی خارج شد. از این زمان به بعد، بویهیان نقیب شیعیان را از میان علویان با نفوذ، که بسیار هم مورد احترام بودند، انتخاب می‌کردند و هر شهری که تعداد علویان آن زیاد بود و امکان جعل نسب، در آنجا می‌رفت نقیبی برایشان برمی‌گزیدند. جریده‌*الری* تألیف سید ابوالعباس احمد بن مانکدیم بن علی بن محمد است، که برای معرفی انساب سادات ری، از منابع موثق گردآوری شده است، دلیلی بر این مدّعاست.^۲

۱. احیای فرهنگی در عهد آل بویه، صص ۸۲، ۶۴.

۲. محمد محسن آقا بزرگ تهرانی، (۱۴۰۳ق)، *الذریعه*، ج ۵، بیروت: دارالاضواء، ص ۹۷.

نتیجه

شهر ری در دوره آل بویه، ساکنانی از مذاهب گوناگون داشت. این فرقه‌ها به لحاظ مذهبی شامل امامیه، زیدیه، اسماعیلیه، حنفیه و شافعیه و از نظر فکری شامل؛ معتزله، اشاعره، نجاریه، زعفرانیه، مجسمه، مشبه و کلایبه، جهمیه بود. تنوع فکری و مذهبی باعث شده بود که عموماً محل زندگی آنها جدا از یکدیگر باشد. در میان این فرقه‌های مختلف، شیعیان به خصوص امامی‌مذهبان و زیدیان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی، علمی و فرهنگی به رشد و پیشرفتی دست پیدا کردند، که مهم‌ترین عوامل آن از این قرار است:

- (۱) روحیه مسالمت‌آمیز شیعیان با یکدیگر و تعاملاتشان با اهل سنت در عرصه اجتماع.
- (۲) اختلاف میان حنفیان و شافعیان ری، و انحراف ذهن آنها را از درگیر شدن با شیعیان.
- (۳) فضای رقابتی که معلول حضور گروه‌ها و فرقه‌های مختلف فکری و مذهبی بود، باعث تعاملات فکری میان آنها می‌شد. شیعیان با برگزاری جلسات مناظره و مکاتبه و ردیه نویسی، به دفاع از مواضع شیعه، همزمان با آغاز غیبت کبرای امام زمان (عج) می‌پرداختند.
- (۴) استفاده از ابزارهای فرهنگی همچون منقبت‌خوانی در جهت ترویج فرهنگ شیعی.
- (۵) علم دوستی و روحیه تسامح گرایانه حکام و وزراء بویهی و احداث مراکز علمی چون کتابخانه و رصدخانه در ری، دعوت عالمانی چون شیخ صدوق و قاضی عبدالجبار معتزلی به ری، زمینه فعالیت‌های علمی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را برای شیعیان فراهم آورد و بدین ترتیب، ری از دیگر مراکز حکومتی بویه‌یان، مثل فارس و بغداد بازماند.

فهرست منابع و مآخذ

کتابهای فارسی و عربی:

- آقا بزرگ تهرانی، محمد محسن، (۱۴۰۳ق)، *الذریعه الی تصانیف الشیعه*، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق.
- ابن اثیر، عزالدین، (۱۴۰۷ق)، *الکامل فی التاریخ*، تصحیح محمد یوسف دقاقه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن جوزی، (۱۳۵۹ق)، *المنتظم*، حیدرآباد: بی نا.
- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، (۱۴۱۶ق)، *لسان المیزان*، تحقیق محمد عبدالرحمن المرعشی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن سنجر نخجوانی، هندوشاه، (۱۳۵۷ش)، *تجارب السلف در تاریخ خلفا و وزرایشان*، تصحیح عباس اقبال، تهران: طهوری.
- ابن شهر آشوب، محمد بن علی، (۱۳۸۰ق)، *معالم العلماء*، نجف: الحیدریه.
- ابن مسکویه، ابوعلی احمد بن محمد، (۱۴۰۷ق)، *تجارب الامم*، تحقیق ابوالقاسم امامی، تهران: دارسروش.
- بویل، جی. آ. (۱۳۵۸)، *تاریخ ایران از آمدن سلاجقه تا فروپاشی دولت ایلخانی*، ترجمه حسن انوشه، تهران: امیرکبیر.
- بیانی، شیرین، (۱۳۷۱ش)، *دین و دولت در ایران عهد مغول*، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیرونی، ابوریحان، (۱۳۵۲ش)، *التفهیم لاوائل صناعه التنجیم*، تهران: انجمن آثار ملی.
- جوینی، عظاملک بن بهاء الدین، (۱۹۳۷)، *تاریخ جهانگشا*، لیدن: بریل.
- خوانساری، محمد باقر، (۱۳۹۰)، *روضات الجنات*، قم: اسماعیلیان.
- دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۳ش)، *لغتنامه*، تهران: دانشگاه تهران.
- شوشتری، نورالله، (۱۳۷۷ش)، *مجالس المؤمنین*، تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- صدوق، ابوجعفر محمد بن علی، (۱۴۰۵)، *کمال الدین و تمام النعمه*، تصحیح علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- صابی، ابوالحسن هلال بن محسن، (۱۹۶۴م)، *رسوم دارالخلافة*، تحقیق میخائیل عواد، بغداد: بی نا.
- طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، *فهرست کتب الشیعه و اصولهم*، قم: شریف رضی.
- عطاردی قوچانی، عزیز الله، (۱۴۰۹ق)، *مسند الامام کاظم علیه السلام*، مشهد: کنگره امام رضا علیه السلام.
- _____، (۱۴۰۶ق)، *مسند الامام رضا علیه السلام*، مشهد: کنگره امام رضا علیه السلام.
- غنیمه، عبدالرحیم، (۱۳۸۸)، *تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسایی، تهران: دانشگاه تهران.
- فصیح خوافی، احمد، (۱۳۳۹ش)، *مجمل فصیحی*، به کوشش محمود فرخ، مشهد: آستان قدس.
- قزوینی رازی، عبدالجلیل، (۱۳۳۱ش)، *بعض متالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض*، تهران: بی نا.
- قزوینی، زکریا بن محمد، (۱۳۷۳ش)، *آثار البلاد و اخبار العباد*، ترجمه جهانگیر میرزا قاجار، تصحیح میرزا هاشم محدث، تهران: امیر کبیر.

عوامل مؤثر در پیشرفت اجتماعی، فرهنگی و علمی شیعیان ری در دوره آل بویه ۱۲۷

- قزوینی، علاءالدین امیر محمد مهدی، (بی تا)، *الفکر التربوی عند الشیعه الامامیه*، قاهره: دارالثقافه.
- قفطی، علی بن یوسف، (۱۳۴۷ش)، *تاریخ الحکما*، به کوشش بهمن دارابی، تهران: دانشگاه تهران.
- قمی انصاری، حسن، «*کتابی از مکتب معتزلیان ری*»، کتاب ماه، ش ۱۰۶، مرداد ۱۳۸۵.
- کاهن، کلود و مفیزالله کبیر، (۱۳۸۲ش)، *بویهیان*، ترجمه یعقوب آژند، تهران: مولی.
- کسایی، نورالله، (۱۳۸۳)، *فرهنگ نهادهای آموزشی ایران*، تهران: دانشگاه تهران.
- کرمر، جوئل، (۱۳۷۵ش)، *احیای فرهنگی در عهد آل بویه*، ترجمه محمد سعید حنایی کاشانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- کریمان، حسین، (۱۳۷۱ش)، *ری باستان*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- مادلونگ، ویلفرد، *فرقه های اسلامی*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: اساطیر.
- مفید، محمد بن نعمان، (۱۴۰۳ق)، *تصحیح الاعتقاد*، تصحیح هبه‌الدین شهرستانی، بیروت: دارالکتب الاسلامی.
- مقدسی، محمد بن احمد، (۱۹۰۶م)، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، لیدن: بریل.
- منتجب‌الدین، علی بن عبیدالله بن بابویه، (۱۳۶۶)، *فهرست اسماء الشیعه و مصنفیهم*، تصحیح محدث ارموی، قم: مرعشی.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی، (۱۴۰۷ق)، *الرجال*، تحقیق سیدموسی شبیری زنجانی، قم: نشر الاسلامی.
- نظام‌الملک طوسی، حسن بن علی، (۱۳۲۰)، *سیاست نامه*، تصحیح عباس اقبال، تهران: اساطیر.
- یاقوت حموی، شهاب‌الدین ابو عبدالله بن عبدالله، (۱۴۰۰ق)، *معجم الادباء*، بیروت: دارالفکر.
- _____، (۱۳۹۹ق)، *معجم البلدان*، بیروت: داراحیاء التراث العربی.